

## اجلاس مجرمین! فواد عبداللهی

این ویژگی منحصر به فرد حاکمیت استبداد در جامعه ای است که از کارگر برده ساخته و در قانونش زن و کودک جزو احشام اند؛ همین کافی است تا کثیف ترین و ارتجاعی ترین روبنای سیاسی را از اعماق بدویت به مسند قدرت کشاند؛ جمهوری اسلامی تا به امروز، مفتخر به فتح این قله جنایت بوده است. واقعیت این است که اعدام یک رکن حیات و شالوده جناح ها و دسته بندی های بورژوازی در ایران، از "اصلاح طلب" و "معتدل" تا "تندرو" بوده است. بدون این خصلت، بدون تحمیل سه دهه اختناق عنان گسیخته مذهبی، بدون حراست سرمایه و حجاب و حکم قصاص و اعدام، بدون کشتارها و به پا کردن لعنت آبادها و گورهای دسته جمعی، شکست انقلاب ۵۷، انقلابی که برای آزادی، برابری و رفاه بود، غیر ممکن میبود! ←

در اجلاس بررسی ادواری حقوق بشر که هفته گذشته در ژنو برگزار شد، جواد لاریجانی زیر نورافکن های "CNN" از اعدام در ایران و "منفعت آن برای همه جهان" دفاع کرد. بسیار خب! اجلاسی که گوش به فرمان متجلباب یک دست و یک تنه ارتجاع سرمایه در سراسر جهان است؛ باشگاهی که قسمی از قدرتهای صدور و اجرای احکام اعدام تشکیل می دهد، جای تردید نیست که لاریجانی اینچنین وقیحانه و بیشرمانه مفتخر به دفاع از اعدام و "قصاص"، این "عدالت" قرون وسطایی باشد. کمتر حکومتی اینچنین سلاح ارعاب علیه اکثریت مردم خود را مایه فخر دانسته؛ کمتر دولتی است که دست های خون آلود به قتل و آدمکشی را، هر روز جهت بازتولید ترس و ارعاب، در برابر دیدگان قربانیان قرار دهد.

## باز هم جنایت در آبهای "دنیای آزاد"

### حکمتیست هفتگی

فرماندهی گارد ساحلی ترکیه اعلام داشت که دست کم ۲۴ پناهجو و دهها تن که بخش اعظم آنها کودکان بودند در آبهای دریای سیاه غرق شده و ناپدید شدند. گزارش ها حاکی است که بیشتر این پناهجویان از کشورهای افغانستان و سوریه گریخته اند.

این نه اولین و نه آخرین باری است که دهها نفر یکجا توسط آبهای دریا بلعیده می شوند. این پناهجویان نه سرمایه داران آن مملکت بودند و نه افراد "شورور"؛ نه "تروریست" بودند و نه "تبهکار"؛ انسانهای شریفی بودند که تنها سرمایه شان، دار و ندارشان یعنی جان و زندگی شان را برداشته، بار کوله پشتیشان کردند تا در جایی دیگر و در سرزمینی بدور از سایه سیاه مرگ، ناامنی، جنگ، فقر و گرسنگی مامنی دست و پا کنند و به زندگی شرافتمندانه و انسانی ادامه دهند. اما جهان امروز و مصائب آن نیز بطور غیرمنصفانه ای تقسیم شده است. مردم این خطه محکوم شده اند که در آتش جنگ، در زیر چنگال زمخت ارتجاع مذهبی و قومی، زیر لاشه سنگین گرسنگی، با مرگ دست و پنجه نرم کنند.

پیش شرط فرار از این سرنوشت "محتوم" بالا رفتن از دیوارهای بلند دژ "جهان آزاد" است. دیوارهایی که خشت به خشت آن را تابلوی "عبور ممنوع!" پوشانده اند. برای رسیدن به دامنه این دژ لعنتی، سایه شوم مرگ صدها بار در کمین نشسته و بیرون می جهد. این گوشه ای از نقشه جهان ما است؛ جهانی که نظام سرمایه داری و قانون سود بر آن حاکم است؛ سهم جنگ و مرارت و فلاکت این دنیا را کارگران و زنان و کودکان خاموش و ارزان باید یدک کشند. این منطق دنیای وارونه جهان سرمایه داری است که چنین گستاخانه فاجعه می آفریند و کنار می کشد. عاملین و آمرین مرگ این مردم عاصی و گریخته از جهنم افغانستان و سوریه، نظام حاکم بر قرن ۲۱ است؛ نظامی که در آن مرزها از جان و زندگی انسان ارزشمندتر است.

## ایلنا و چماق اخراج کارگر!

امان کفا صفحه ۳

## اعتراضات اصفهان، آب در لانه مورچگان! در حاشیه افه های یک ولتر اسلامی صفحه ۲

## فعلا غلاف کنید!

در ادامه هراس روحانی از فضای سیاسی دانشگاه صفحه ۴

فواد عبداللهی

## دفاع از کوبانی دفاع از انسانیت است

اطلاعیه حزب حکمتیست (خط رسمی) صفحه ۴

آزادی برابری حکومت کارگری

## اعتراضات اصفهان، آب در لانه مورچگان!

در حاشیه افه های یک ولتر اسلامی  
فواد عبداللہی



به غلیان در می آیند. میدانند که قوانین اسلامی دیگر نه ابزار ارباب مردم، بلکه مایه تحریرک آنهاست. ترسشان بجاست! اصلاح طلبان، تاریخا آن بخشی از خود هیات حاکمه و خود جمهوری اسلامی اند که در بزنگاه های بحرانی رژیم، این استعداد را دارند که بعنوان کاتالیزورهای تغییر دولت بدون دخالت از پایین، ظاهر شوند. هراسشان از پا گرفتن و سازمان یافتن جنبشی است که روزانه در محله و کارخانه و دانشگاه به قوانین حاکم بر زنان، "نه" میگوید. جنبشی که علیه داعش و داعش های وطنی از اصفهان تا تهران و تبریز و سندانج خواب راحت را از رژیم اسلامی حاکم بر ایران گرفته است.

اگر در اثر سرکوب سیستماتیک رژیم، جنبش برابری طلبی و رهائی زن امکان ابراز وجود قدرتمند ندارد و به یمن همین سرکوب، جریانات اصلاح طلب و سبز و مخملی امکان عوامفریبی دارند ذره ای در این واقعیت تغییر نمیدهد که پرچم واقعی دفاع از حقوق زن در دست کمونیستها و طبقه کارگر است. امروز وقت آنست که سازماندهی تشکلهای رادیکال زنان پرداخت؛ وقت آنست که باریکداهای دفاع از امنیت و آزادی را بپا کرد. برای لغو حجاب، لغو آپارتاید جنسی، لغو قوانین زن ستیز، جدائی مذهب از دولت و رسیدن به آزادیهای وسیع سیاسی-اجتماعی-فرهنگی و اقتصادی و دهها خواست برحق و برابری طلبانه، نیرو سازمان داد و متحد کرد. نسخه جناح های رژیم اسلامی پوچ و شکست خورده اند؛ محتوم و رفتنی اند. میتوان بر ویرانه سی ساله حاکمیت ننگین سرمایه و مذهب دنیایی بنا نهاد که عاری از هر گونه تبعیض، سرشار از نعمات دستمایه زنان و مردان کارگر باشد؛ این دنیای وارونه را بقول مارکس باید بر قاعده اش نشانند.

صحنه سیاسی ایران در ظرف دو هفته دگرگون شده است. اصفهان و تهران و سندانج سرنخی هایی است به آنچه در راه است.

ها و ... بود؛ امروز همان وظیفه نامقدس را اینبار در قامت ناجی جامعه پیش می برد. سرروش اولین جانی نیست که در دوره خاتمی، مصلح و منتقد تندروی های دوستان قدیمی خود شد و در واپسین سالهای دو خرداد با بهره برداری از یک شناخت سطحی از فرهنگ پیچیده غرب قصد پیوند دین به تفکر مدرن را داشت! وظیفه ایشان مانند خامنه ای ها، روحانی ها و خاتمی ها، مبارزه با آزادیخواهی و کمونیسم بود. آنها چماق و چاقو برداشته اند، سرروش دستورالعمل نوشته؛ آنها حکم الهی بر مردم ایران نازل کرده اند، سرروش در زمینه علم و فلسفه "طرحی نو" در ترشی انداخته؛ ایشان سالهاست که پول میگیرد تا "عقلانیت" در اسلام را کشف و طبع کند.

از اینها گذشته، آقای سرروش مزاح می فرماید؛ مگر می شود حاکمیت و دولتی که خود وی نیز سالها از روسا و مهره های مهم آن بوده و با اسیدپاشی و تیغ بصورت زنان سر کار آمد خود را مواخذه کند؟! از کی تا بحال مد شده حاکم حکم به محکومیت خویش صادر کند؟ مگر میشود سر دسته اسیدپاش ها و سازماندهندگان آن در دولت و مجلس و بیت رهبری را توسط نهاد سرکوبگر دولت بر ملا کرد؟! مگر می شود از دولتی که بنیادش بر بردگی زن و آپارتاید جنسی بنا شده و روزانه مشغول وضع قوانین جدید علیه زنان است، دولتی که چکیده بازتولید توحش است، دولتی که حامی "طرح آمران به معروف و ناهیان از منکر" است و اوباشانش در خیابان به روی زنان اسید می پاشند، انتظار داشت دسته خود را ببرد؟! پس در حکومت اسلامی چه کسی با اسیدپاشی مخالف است؟ همه! در همین حکومت چه کسی با "امر به معروف" مخالف است؟ هیچکس!

طنز ماجرا آنجاست که "بی بی سی" و سرروش و دولت روحانی اشک تمساح می ریزند و خود را در اعتراض مردم شریک میدانند. اینها بلدند چگونه مردم را به تمکین بکشاند و به دنبال کار و زندگی شان بفرستند. وظیفه رئیس جمهور مشعوف چیزی نیست جز توجیه این جنایت و قانع کردن مردم به اینکه عاملین و آمرین آن، در ساعت مشخص و با استفاده از امکانات دولتی و انبارهای اسید واحد ارشاد شهر به وظایف قانونی و شرعی اقدام کرده اند.

اینها فهمیده اند که مردم باورشان ندارند و هر آن و با هر بهانه ای، علیه بساط دولت تکان میخورند و

رسانه هایی همچون رادیو فردا و بی بی سی، خیلی مفتون افه ها و حرکات مهره هایی چون سرروش ها و شیرین عبادی ها و گنجی ها و جریانات اصلاح طلب ایران اند. سرروش، طراح "انقلاب فرهنگی" در دانشگاه های ایران که یک شبه تبدیل به فیلسوف، دگراندیش و ولتر اسلامی شد اخیرا از روحانی خواسته تا در حرکتی "خاتمی وار" همه عوامل اسیدپاشی های اصفهان را از "دخمه های پلیدشان" به در آورد و به مردم معرفی کند. به نقل از رادیو فردا بنا به گفته این "متفکر ایرانی"، "کیست امروز که نداند در پس همه این خباثت های خانمانسوز (چون قتل ها و اسیدپاشی ها و ...) حجت شرعی وجود دارد؟"

قالب کردن چنین تصویری که گویا نهاد دولت شرافت به حراج رفته ای است و بی تقصیر، آنهم توسط یک کهنه حزب اللهی "لیبرال شده"، که گرده ریز و ایدئولوگ "انقلاب فرهنگی" بوده و در سالهای فراق از وطن، بقالی پینه کردن اسلام با مدرنیته باز کرده، جای تعجب نیست. کسی که یکی از افتخاراتش، البته پس از دگراندیش شدن، سرکوب دانشگاهها بود. کسی که مهمترین فعالیت "فرهنگی" اش، پاکسازی دانشگاهها از کمونیستها و چپها و سپردن آنها به جوخه های اعدام خلخالی

### اجلاس مجرمین ...

این حکومت و آدم هایش تا به امروز تنها بر ستون خفقان و سرکوب زنده بوده اند؛ روزی که نتوانند مرعوب کنند، کارشان تمام است؛ سال ۶۰ یک نسل تمام از کمونیست ها و آزادیخواهان جامعه ایران را قتل عام کردند. سران این جنایت هنوز در صحنه اند. هنوز سیاستمداران آن کشورند. وکیل مجلس اند، در کابینه اند، رئیس قوه قضائیه اند، رهبرند، رئیس ارتش اند، سران سپاه پاسداران اند. نبرد با اینها ادامه دارد. پرونده اینها نزد مردم مفتوح است. زمانی که این تاریخ به بوته قضاوت و بررسی سپرده شود و همه حقایق پشت آن بر ملا گردد، روی نازیسم و گشتاپو سفید خواهد شد. اما، فاتحین جنایت و برج و بارویشان، انداختنی اند. باید متحد و متشکل پا به میدان این جنگ گذاشت؛ گورکنان این نظم سرمایه و نظام جهانی، طبقه کارگر ایران و کمونیستها نقش کلیدی در به عقب راندن ماشین اعدام و سرکوب رژیم اسلامی به عهده دارند؛ باید این صف را تقویت کرد، این تنها راه است! مردم ایران شایسته یک زندگی انسانی و رهایی از شر این جانوران اند.

زنده باد سوسیالیسم

مرکز جمهوری اسلامی

## ایلنا و چماق اخراج کارگر!

امان کفا



تنها در عرض یک هفته، طبق گزارشی از ایلنا، ۱۱۰۰ کارگر مراکز گوناگون تولیدی، اخراج و بیکار شده اند و این رقم بخش کوچکی از کل اخراج ها و بی کارسازی هاست. گرچه اخراج و بیکارسازی، پدیده های جدیدی در جمهوری اسلامی ایران نیستند، اما آنچه قابل توجه است نه فقط میزان بالای این اخراج ها، بلکه تهدیدی است که در ادامه گزارش از درجه گستردگی اخراج ها بدست میدهد.

این ارقام در دل شرایطی است که از یک طرف دولت اعتدال و پوزوسیون و اپوزوسیون درون طبقاتی اش، تمام تلاش و کوشش خود را کرده اند تا نیروی کار ماهر و ارزان و آماده به کار در بازار کار ایران را نگه دارند. در این راستا، و همزمان با پایین نگه داشتن دستمزد کارگران، قرار است هر گونه مانع و دست اندازی از سر راه برداشته شود؛ دیگر حتی قوانینی که کارگران در طی دوره انقلاب به بورژوازی (از نظر قانونی) تحمیل کرده بودند را هم ذره ذره از روی کاغذ های بی ارزش مصوبات قانونی دارند لاک می زند تا خیال اعتراض قانونی به سر کارگر نزند. خلاصه به هر وسیله ممکن پناه برده اند تا این کشور بیشترین جذابیت را برای جلب سرمایه خارجی داشته باشد. اما واقعیت جامعه بیش از هر دوره دیگری شاهد عدم توانایی حکومت کنندگان از نشان دادن چرغ امید در بهبود شرایط موجود بوده است. کار به جایی رسیده است که دیگر

تنها در عرض یک هفته، طبق گزارشی از ایلنا، ۱۱۰۰ کارگر مراکز گوناگون تولیدی، اخراج و بیکار شده اند و این رقم بخش کوچکی از کل اخراج ها و بی کارسازی هاست. گرچه اخراج و بیکارسازی، پدیده های جدیدی در جمهوری اسلامی ایران نیستند، اما آنچه قابل توجه است نه فقط میزان بالای این اخراج ها، بلکه تهدیدی است که در ادامه گزارش از درجه گستردگی اخراج ها بدست میدهد.

این ارقام در دل شرایطی است که از یک طرف دولت اعتدال و پوزوسیون و اپوزوسیون درون طبقاتی اش، تمام تلاش و کوشش خود را کرده اند تا نیروی کار ماهر و ارزان و آماده به کار در بازار کار ایران را نگه دارند. در این راستا، و همزمان با پایین نگه داشتن دستمزد کارگران، قرار است هر گونه مانع و دست اندازی از سر راه برداشته شود؛ دیگر حتی قوانینی که کارگران در طی دوره انقلاب به بورژوازی (از نظر قانونی) تحمیل کرده بودند را هم ذره ذره از روی کاغذ های بی ارزش مصوبات قانونی دارند لاک می زند تا خیال اعتراض قانونی به سر کارگر نزند. خلاصه به هر وسیله ممکن پناه برده اند تا این کشور بیشترین جذابیت را برای جلب سرمایه خارجی داشته باشد. اما واقعیت جامعه بیش از هر دوره دیگری شاهد عدم توانایی حکومت کنندگان از نشان دادن چرغ امید در بهبود شرایط موجود بوده است. کار به جایی رسیده است که دیگر

وزرای دولت اعتدال هم از انتظار و امید به بهبودی دم نمی زند و حتی هایشان هم آمار و ارقام افزایش اشتغال و "کاهش بیکاری" وزارتخانه هایشان را هم قبول ندارند و جدی نمی گیرند.

درست در دل همین شرایط، در متن بی افقی کامل حکومت کنندگان، اعتراضات کارگری کماکان گسترش یافته است. در طی دو سال اخیر، اعتراضات طبقه کارگر برای دستیابی به هر گونه بهبودی در معیشت و زندگی و شرایط این طبقه، سیر صعودی داشته است.

در چنین وضعی است که بار دیگر، اخراج ها مطرح شده اند. در این دوره است که ایلنا با اعلام درجه بالای کل بیکارسازی ها به راحتی "به شرایط فاجعه بار حقوق کار در ایران" اشاره می کند. رجزخوانی ایلنا تنها کاری است که از یک خبرگزاری دولت اسلامی سرمایه، رو به کارگر معترض بر می آید. اخراج، و مشخصا اخراج کارگر معترض، چماقی است که بورژوازی بر سر کارگر فرود می آورد تا از پیش "هشدار" خود را داده باشد. اگر بیکارسازی، و گرفتن تبر بیکاری بالای سر کارگر، حربه ای در دست بورژوازی علیه کارگر است، اخراج (بالاخص در شرایط امروز)، بیانگر حمله ای سیاسی و بیان پاکسازی و بیرون کردن هر معترضی از محیط کار است. این آن هشدار است که ایلنا به کارگر و جامعه دارد می دهد. این هشدار است که بورژوازی از ترس

اعتراض و فراگیر شدن اعتراض کارگری، به کارگران دارد می دهد. کارگران کمونیست و آگاه نیز به همین دلیل بایستی یکبار دیگر بر اهمیت دفاع از کارگران معترض و نمایندگان کارگری پافشاری کنند. در این میان تاکید بر اهمیت تشکیل مجمع عمومی کارگران برای بیان اعتراضات کارگری بمراتب مهم است. مجمع عمومی بلاواسطه شرایط پیکره واحد کارگران در محیط کار را در مقابل کارفرما و دولت قرار می دهد، و بهترین شرایط را برای وحدت و اتحاد آرای کارگران فراهم می آورد. در این شرایط که بورژوازی از هراس خود به اعتراضات کارگری اذعان دارد، در شرایطی که بی افقی کامل کل دستگاه حاکمه و کارفرماهای ریز و درشت برای همه عیان شده است، تشکیل مجامع عمومی کارگران، و منظم برگزار کردن آن، بهترین امکان حفاظت و امنیت کارگران و نمایندگان آنان را در محیط کار ممکن می سازد.

استثمار و تبعیض و بی حقوقی در ابعادی اینچنین عظیم، و در اشکالی اینچنین عیان، بدون تسلیم و رضایت توده وسیع خود استثمار شوندگان و بدون موجه قلمداد شدن این مناسبات در اذهان خود قربانیانش سر پا باقی نمی ماند. توجیه کردن این وضعیت، ابدی و ازلی و طبیعی قلمداد کردن آن و ترساندن و برحذر داشتن فرودستان جامعه از شورش علیه این مناسبات، وظیفه روبنای فکری و فرهنگی و اخلاقی در این جامعه است. زرادخانه فرهنگی و اخلاقی بورژوازی علیه آزادی و رهایی انسان عظیم و خیره کننده است. بخشی از این ابزارها از اعصار کهن به ارث رسیده اند، اما مطابق نیاز جامعه بورژوایی نوسازی و بازسازی شده اند. ادیان و مذاهب رنگارنگ، عواطف و تعصبات اخلاقی جاهلانه، قوم پرستی، نژادپرستی، مردسالاری، همه و همه حربه های فکری و فرهنگی طبقات حاکمه در طول تاریخ برای خفه کردن و سربریزر نگاهداشتن توده کارکن جامعه بوده اند. همه اینها در اشکال نوین و ظرفیتهای تازه، در عصر ما در خدمت مصون داشتن مالکیت و حاکمیت بورژوایی از تهدید آگاهی و تعقل و نقد طبقه کارگر و مردم تحت استثمار قرار دارند. ...

فرهنگ، ایدئولوژی و اخلاق

(یک دنیای بهتر برنامه حزب حکمتیست - خط رسمی)

کارگران جهان متحد شوید!

## فعلا غلاف کنید!

### در ادامه هراس روحانی از فضای سیاسی دانشگاه

فواد عبداللهی

هفته گذشته روحانی در صحن مجلس هنگام مراسم رای اعتماد به وزیر علوم، هراس خود را از فضای دانشگاه ها اینگونه بیان کرد:

”ما نمی‌خواهیم که دانشگاه از مسائل سیاسی جدا باشد ولی باشگاه سیاسی هم نباید باشد. دانشگاهی می‌خواهیم آگاه به مسائل سیاسی که شعارهایش را از گروه‌های سیاسی نگیرد. اگر گروه‌های سیاسی می‌خواهند فعالیت‌های سیاسی کنند روش خودش را دارد که باید از آن راه عمل کنند...“ ما نمی‌خواهیم دانشگاه مرکز سیاست بازی و جولان‌گاه این جناح و آن جناح باشد. می‌خواهیم اعتدال و آرامش در دانشگاه حاکم شود...“ دانشگاه باید مومن و پایمند به اصول انقلاب و نظام و خدمت‌گذار ملت باشد ...

بدنبال ماجرای اسیدپاشی عوامل رژیم به روی زنان و اعتراضات وسیع در اصفهان و تهران، مشام آسید تیز شده که مبادا ”برادران بسیج“ زیر عیای ”امران به معروف و ناهیان از منکر“ در صدد براه انداختن ”انقلاب فرهنگی“ دیگری و ایجاد فضای رعب در دانشگاه ها برآیند؛ اگر در جامعه هر جوجه پاسدار و هر کفن پوش اسلامی میتواند آنگونه که دلش میخواهد عربده بکشد اما دانشگاه ظرفیت زنجیرچرخانی خط امامی ها را ندارد؛ میتواند سریعاً ”سیاسی“ شود و کار دستشان دهد.

اما آنچه امروز در جامعه می گذرد از چماق کشی به زنان گرفته تا اعدام ها و تحمیل فلاکت و

بیکاری بی سابقه به طبقه کارگر، دیر یا زود انعکاس خود را در صحن دانشگاه ها خواهد یافت؛ روی سخن روحانی به جوخه های ارباب رژیم در بخش ”خصوصی“ اوباش بسیجی و برادران حزب الهی است؛ به زبان بی زبانی اعتراف می کند که بقاء رژیم از موضع قدرت در دانشگاه ها عملی نیست و نباید پای آن رفت؛ فعلا غلاف کنید.

همه این را پذیرفته اند که دانشگاه تاریخا مکان زورآزمایی ارتجاع با آزادیخواهی بوده است. غیر سیاسی کردن دانشگاهها با تذکر و یادآوری اینکه ”دانشگاهها در تحولات اجتماعی پیشتاز بوده اند“ هشدار روحانی به خطر عروج دوباره چپ در دانشگاه و تاثیر آن بر فضای اعتراضی جامعه و طبقه کارگر است. روحانی دارد به رقبای درون حکومتی خود خطر را گوشزد میکند. در دوران به ته رسیدن دولت ”اعتدال“، در دورانی که نه تنها کمترین اثری از متحقق شدن مطالبات اجتماعی، اقتصادی و رفاهی مردم زحمتکش وجود ندارد بلکه فشار بی عدالتی و بیکاری و فلاکت و بی مسکنی و استبداد، کماکان بر جای خود باقی است، در دورانی که آخرین خشتهای توهم به دولت، کم کم در حال از جا کندن است، همه از رژیم تا مردم و از ژورنالیست های ”محترم“ تا محافل و ارگان های دولتی چشم دوخته اند تا ببینند که بر ویرانه های اضمحلال این یکی دولت، کدام سیاست عروج می کند و این خلاء را چه کسی و چه جریانی پر میکند.

آزادیخواهی و برابری طلبی را تنها جریان و

جنبشی میتواند تامین کند که در تامین آن ذینفع است و این کمونیسم طبقه کارگر است. کمونیسمی که شش سال پیش نسل جوان زیر چتر ”دب“ در دانشگاه نمایندگی کرد و دانشگاه را به سنگر مبارزه علیه خفقان و سرکوب، سنگر دفاع از کارگر و پایان دادن به ستمکشی زن، تبدیل کرد. دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب سرکوب شدند اما پرچم و افقی که در مقابل جوانان در جامعه گذاشتند، جواب به نیاز واقعی این جامعه است و در دل میلیونها انسان زنده است. مبارزه و اعتراض رادیکال در دانشگاه، تلاش برای شکستن فضای انتظار و ارباب و تامین آزادیهای سیاسی و ابتدائی ترین حقوق انسانی، تنها و تنها در گرو بدست گرفتن همان افق و همان پرچم است.

امروز با کنار رفتن فضای سنگین سرکوب آن دوران، بار دیگر باید جریانات بورژوائی و مرتجع را حاشیه ای کرد. امروز باید نقش و تاثیر آنها را در عقب گردی که به دانشگاه تحمیل کردند به عنوان کارنامه آنها به گردنشان آویخت. جامعه به چپ خود محتاج است، کمونیسم جواب واقعی و انسانی مشقاتی است که به طبقه کارگر و زن و جوان آن جامعه تحمیل کرده اند. امروز ضروری است نسل جوان و دانشجویان رادیکال با اتکا به تجارب این چند سال، با سربلندی و افتخار از این دوران دفاع کند و صف خود را متحد و آماده جدالهای جدی پیش رو کنند. این تنها راه پیشروی تحرک رادیکال در دانشگاه است. لازم است تضمین کرد تحرک سیاسی و رادیکال، مقابله با ارتجاع در دانشگاه تماما از صف جریانات بورژوائی جدا است.

روحانی گوشش را سفت به زمین چسبانده و لرزش این نظم ارتجاعی را شنیده است. به چه زبانی بگوید که جدال جاری در ایران و دانشگاه های ایران مقابله اسلام قساوت و اسلام تساهل نیست، جدال ولایت فقیه و قانون نیست، جدال داعش و ”اسلام خوش خیم“ نیست، بلکه جدال آزادیخواهی با استبداد و ارتجاع در همه اشکال آن است. ...

طبقه کارگر و هر انسان شریفی در سراسر جهان است. نباید گذاشت کوبانی شکست بخورد؛ دفاع از کوبانی دفاع از انسانیت در مقابل توحش و بربریت است.

زنده باد همبستگی جهانی در دفاع از مردم کوبانی

تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست-خط رسمی ۳۰ اکتبر ۲۰۱۴

www.hekmatist.com

سردبیر: فواد عبداللهی  
fuaduk@gmail.com

تماس با حزب

hekmatistparty@gmail.com

منطقه ای آنها ایستاده اند. آنها برای دفاع از حرمت و کرامت انسانی خود، برای دفاع از حق حیات خود با همه امکانات محدودی که دارند در مقابل مشتکی جنایتکار و آدم کش میجنگند و توحش داعش را افسار کرده اند.

مقاومت قهرمانانه مردم کوبانی در شرایطی صورت میگیرد که ”جهان متمدن و دنیای آزاد“ در حالیکه مدعی مبارزه با تروریسم هستند و مشغول تشکیل ”ائتلاف علیه داعش“ اند در تمام این مدت چشم به انتظار شکست کوبانی بودند و کوچکترین کمکی به آنها نکردند.

مردم کوبانی با مقابله جسورانه خود راه دیگری در مقابل مردم محروم و متفرق از داعش قرار داده است. الگویی از مبارزه با اتکا به قدرت متحد و اراده انسانی خود و بدون امید بستن به دولتهای مرتجع غربی که از عاملین اصلی تولید داعشها در منطقه و جهان بوده و هستند.

دفاع از مردم کوبانی وظیفه بشریت متمدن، وظیفه

## دفاع از کوبانی دفاع از انسانیت است

(در حمایت از فراخوان تظاهرات اول نوامبر در دفاع از کوبانی)

اخیرا ۱۲۰ نفر از شخصیتهای انسان دوست فراخوان تظاهرات و اعتراض در حمایت از مردم کوبانی و علیه داعش در روز شنبه اول نوامبر داده اند. تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست (خط رسمی) از این فراخوان حمایت میکند و از همه بشریت متمدن و انساندوست توقع دارد که به این تحرک انسانی بپیوندند.

مردم کوبانی شایسته بیشترین حمایتها است. آنها تا کنون با اتکا به نیروی خود، زن و مرد، پیر و جوان در مقابل داعش یکی از فرزندان جنایتکار ناتو و متحدین